

نظر اسلام دربارهٔ

مسألهٔ استضعاف

واستکبار

تحمل بار امانت شده و بطور خلاصه اینطور برداشت می‌شود که همه چیز در روی کرهٔ زمین و در عالم طبیعت، برای انسان و انسان برای نیل به کمالات آفریده شده است! بدون اینکه میان انسانها در این مورد تبعیضی باشد

بنابراین، اگر در اسلام، حرمت شراب خواری و می‌گساری از ابتدای بعثت پیامبر اکرم، یکباره اعلام نمیشود و هنگام اعلام هم ابتدا بصورت: «لا تقربوا الصلاة و

کاوشهای عقلی و نظری ما در جهان بینی اسلامی، بازگشای خیلی از مشکلات و برطرف کنندهٔ بسیاری از تضادها و تناقض- هاست. هنگامی که ابعاد این جهان بینی را خوب و کامل شناختیم، بدخوبی می‌توانیم بعضی اشکالاتی که در ساختمان ایدئولوژی اسلامی، بد نظر بعضی لاینحل جلوه کرده است، برطرف کنیم و حساب بسیاری از المراد و جوامع به اصطلاح اسلامی را از اسلام واقعی جدا سازیم.

در جهان بینی اسلامی تکیه بر کرامت ذات انسان و شایستگی و توانائی او برای

انتم سکاری» (۱) و سپس به عنوان :

«رجس من عمل الشيطان» (۲) در

دسترس مردم مسلمان قرار میگیرد ، به خاطر يك سلسله مصالح اجتماعی است

وقتی در جهان بینی اسلامی اصالت به

کرامت ذاتی انسان داده میشود و هیچگونه

شائبه تبعیض هم در این زمینه وجود ندارد

می توانیم بفهمیم که اسلام طرفدار نظام

طبقاتی بردگی و برده داری نیست همچنانکه

طرفدار شراپ خواری و می گساری نیست.

اسلام برای ریشه کن کردن

بردگی ازدو راه وارد شده : یکی

خشکانیدن منابع بردگی و دیگر

کوشش در راه آزاد شدن بردگان

موجود از راه تدوین يك سلسله

قوانین و مقررات (۲)

اما اینکه چرانیای ایدئولوژی اسلامی

در مسأله شراپ خواری و برده داری ، بر

مبارزه دنی گذاشته نشده و روش مبارزه

تدریجی انتخاب گردیده ، داستان دیگری

دارد .

چه میشود کرد ؟ جامعه الکلیست و

جامعه برده داری هر دو بیمارند یا به دو

بیماری مبتلایند . رهبر انقلابی اسلام ،

همچون طبیبی حاذق میخواید بیماری

الکلیسم و بردگی را از پیکر جامعه خارج سازد .

آیا اگر يك طبیب بخواید يك تریاکی

یا يك هروئینی یا يك الکلیست را درمان

کند ، بهترین نیست که به تدریج از مقدار

مصرف بیمار بکاهد ، تا به حدی برسد که

برای بیمار معتاد مصرف کردن و مصرف

نکردن آن یکسان باشد ؟

آیا اگر طبیبی برای رفع اعتیاد بیمار ،

بمبارزه تدریجی بپردازد ، می شود او را

متهم کرد که طرفدار مصرف تریاک و هروئین

یا الکل است ؟

يك رهبر شایسته کسی است که اینها را

تشخیص دهد و جامعه را فدای انقلاب یا

فدای سیاست گام به گام نکند ، او باید آگاه

باشد که انقلاب یا سیاست گام به گام برای

خاطر نجات و سلامت جامعه است ، نه جامعه

برای خاطر انقلاب یا سیاست گام به گام .

همچنانکه گفته اند :

گوسفند از برای چوپان نیست

بلکه چوپان برای خدمت اوست

همان پیامبر بزرگ انقلابی در مورد

بت پرستی ، در مورد سازش ناپذیری با نظام

اشرافیت و استکبار و ... انقلابی عمل

می کند که جهان بیش کرامت ذاتی انسانی

۱- در حال مستی به نماز نزدیک نشوید (نساء ۴۳)

۲- شراب نوشیدن از کارهای پلید شیطانی است و باید بطور کلی از آن پرهیز کرد

(مائده ۹۰) تمام آیه این است : انما الخمر والمیسر والانصاب والالزام رجس من

عمل الشيطان فاجتنبوه ...

۳- زنان نامدار ص ۳۰۲ تا ۳۰۶

وعدم تبعیض میان انسانها وایدئولوژی‌ش
نیز بر همین زیربنا استوار است .

سوره «عبس» يك سوره مكی است. یعنی
در روزگار ضعف مسلمین نازل شده نه در
روزگار قوت و شوکت آنان. امام هین سوره
باکمال صراحت و بایک پر خاش کوبنده و
کاملاً انقلابی يك سازشگر بیخبر از اسلام
را که میخواهد بانظام اشرافیت و ضد مردمی
مستکبرین کنار بیاید، سخت، نکودش میکند
آیات اول این سوره را با هم میخوانیم .

عبس و تو لی . ان
جاهه الا عمی . ما
یدر یک لعله یز کی .

او یدکر فتغنه الذکری
امامن استغنی . فانت
له تصدی . و ما علیک
الا یز کی . و اما من
جائک یعی . وهو
یخشی . فانت عنه
تلهی ... (۱) چهره در
هم کشید و روی برگردانید
به خاطر اینکه ناپیایی
وارد شد . توجه میدانی؟
شاید او تزکیه می شود یا
تذکر می پذیرد و به حالش
سود مندمی افتد : اما آنکه
ثروتی و مال و ثنالی دارد
به او می بردازی (مورد
توجه و احترامش قرار

میدمی) و آنکه با سمی و
کوشش و ترس از خدا (ولی
تهدست و ژنده پوش)
نزد تو می آید ، از او روی
گردان می شوی !

طیب حاذق و دلسوز هم همین طور
است ، اگر بیماری دردستگاه گوارش خود
گرفتار غده ای است که او را رنج میدهد و
به مرگ تهدیدش میکند آن طیب حاذق
باتیغ و چاقوی جراحی شکمش را پاره میکند
و غده را از بدن در آورده ، به دور می افکند
و تن بیمار را از شر آن راحت می کند - به
شرطی که جسم بیمار ، قدرت تحمل این
جراحی را داشته باشد و الا بازم طیب
ناچار است به معالجه تدریجی دست بزند
جهان بینی اسلامی که به همه انسانها
کرامت ذاتی میدهد و تبعیض میان انسانها
را معکوم میکند ، در ساختمان پرشکوه
ایدئولوژی خود ، بخش را هم به جهاد و
مبارزه در راه نجات خلق های محروم و
مستضعف ، اختصاص میدهد .

ولی آیا میشود جامعه بیمار مستضعف
را که بسا پیکری فرسوده ، و نیمه مرده دارد
در همه شرایط و اوضاع و احوال ، به میدان
نبرد کشید و باقی مانده نیروی علیل و رنجور
او را هم برای همیشه از بین برد ؟
اینجاست که همان رهبر پرتوانی که در
شرایط مساعد و زمینه مناسب و آماده پس
از هجرت ، تمام نیروهای مستضعفین را
برای روبرویی با مستکبران متم پیشه و

پشتیبان نظام بردگی و مستضعف پروری
بسیج کرده ، می گوید :

اَذْنُ لِلذِّينِ يِقَاتِلُونَ
بَانِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ
عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ .
الذِّينِ أَخْرَجُوا مِنْ
دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ الْإِ
لَا انْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ ..

(۱) به مردمی که به
آنها ظلم شده است اجازه
نبرد داده شده و خداوند
برپاری آنها تواناست .
آنها بناحق از خانه های
خود اخراج شده اند فقط
می گفته اند : رب ما و
پروردگار ما ، الله است

در شرایط نامساعد قبل از هجرت به آنها
دستور میداد که کف نفس کنند و به اقامه
نماز و دادن زکات اکتفا نمایند و نیروهای
خود را به هدر ندهند تا رهبری بتواند از آن
نیروها در موقع مناسب استفاده نماید

برای يك جامعه زنده و تلاشگر ، لازم
است اول رهبری شایسته انتخاب کند و
سپس بانهایت بصیرت و آگاهی پشت سر
او حرکت نماید . هرگاه فرمان پرورش
میدهد ، پرورش برد و هر لحظه فرمان باز
ایستادن میدهد ، باز ایستد .

رهبر عالیقدر اسلام ، در دوران قبل از

۱- سورة حج آیه ۳۹ و ۴۰

هجرت ، همواره فرمان باز ایستادن از پرورش
و نبرد میداد و مشغول ساختن و جمع کردن
افراد مبارز و مجاهد بود . در دوران بعد از
هجرت ، کارهای مقدماتی انجام شده بود
از این جهت فرمان پرورش و نبرد میداد و
فرماندهی بسیاری از جنگها و نبردها به
عهده شخص خودش بود تا سرانجام توانست
جبهه مستکبرین را درهم بشکند و به
مستضعفین توان و قدرت و زعامت ببخشد
متأسفانه کسانی بودند که خط مشی ایشان
درست در جهت مخالف خط مشی رهبری
بود ، روزی که مقام رهبری مشغول تهیه و
سروسامان دادن نیروها بود ، آنها سودای
جنگیدن و مبارزه مسلحانه داشتند هنگامی
که کار تهیه مقدمات پایان گرفت و با هجرت
بسیوی مدینه ، سنگری مستحکم برای
مستضعفین فراهم آمد و روز نبرد مسلحانه
فرار سید و ترك نبرد ، آب به آسیاب دشمن
می ریخت ، آنها به گوشه گیری و انزوا و
آسایش طلبی متمایل شدند .

این روش ناپسند ، تا چه اندازه به سود
مستکبران و به زیان مستضعفین است ؟
قرآن ، برای اینکه ایدئولوژی الهی
مسلمین را از هر عیب و نقصی پیراسته گرداند
ورشد و آگاهی بیروان خود را به طور بسیار
چشمگیری بالا ببرد ، چنین می گوید :

الْم تَرَىٰ اِلَى الذِّينِ قِيلَ لَهُمْ كَفُوا
اَيَّدِيكُمْ وَ اَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا
الزَّكَاةَ فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ اِذَا
فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشِيَةِ

مکتب اسلام ۱۹

انله او اشد خشية وقالوا ربنا لم نكتمت
 علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل
 قريب ... (۱)

آيانمی یعنی کسانی را که
 به آنها گفته می شد: دست
 نگاه دارید و نماز اقامه کنید
 و زکات بدهید؟ اما همینکه
 نبرد بر آنها واجب شد ،
 گروهی از ایشان ، مانند
 ترس از خدا باشد بدتر ، از
 مردم ستمگر ترسیده ،
 گفتند: پروردگارا ، چرا

۱- سوره نساء آیه ۷۸

نبرد را بر ما واجب کردی
 چرا ما را برای مدت کوتاهی
 مهلت ندادی ؟ ۱.

به امید اینکه جوامع اسلامی و رهبران شان
 موقع شناس باشند و در کمین فرصت!
 و کاری نکنند که هم سکوتشان و هم انقلاب
 و مبارزه شان ، آب به آسیاب مستکبران
 ریختن باشد! بلکه: سکوتشان و مبارزه و
 قیامشان ، گامهایی استوار و بنیانکن ، در
 راه ریشه کن کردن استکبار و امامت مستضعفین
 باشد!



بقیه از صفحه ۲۵

تیک تیسین ها مدعی هستند که پیدایش
 نوع جدید پیوسته از طریق انقلاب جهش
 صورت می پذیرد در حالی که دیگران می گویند
 برای پیدایش نوع جدید ، دو راه وجود
 دارد، گاهی از طریق جهش و گاهی از اجتماع
 تغییرات جزئی که به طور تدریج به پیدایش
 نوعی منجر می گردد .

چشم انداز بحث همین است که بیان
 گردید ، در این صورت گفتگو درباره آن-
 گونه تغییرات کمی که منجر به تحقق نوعی
 نگردد، از موضوع بحث خارج می باشد و
 یادآوری آن ، در بحث ، نشانه کم کردن
 سوراخ دعا است .

ثانیاً: فشار بحث این جا است که آیا
 پیدایش کیف جدید پیوسته به صورت انقلاب

مکتب اسلام ۲۰

و ناگهانی است، یا گاهی بصورت ناگهانی
 و گاهی به صورت تدریجی، دیالک تیسین ها
 طرفدار اولی ، و گروه مخالف ، طرفدار
 نظریه دوم می باشند. در این صورت تفسیر
 انقلاب و جهش به صورت ناگهانی و
 تدریجی يك نوع تناقض گوئی است. اصولاً،
 انقلاب و جهش جز تغییر ناگهانی ، چیز
 دیگری نمی تواند باشد در این صورت چگونه
 می توان با حفظ حقیقت انقلاب ، آن را
 به ناگهانی و تدریجی نیز تفسیر کرد. این
 تفسیر مثل این است که حرکت سریع را ،
 به حرکت تند و کند تفسیر کنیم. و بگوئیم
 گاهی سرعت به صورت تند و احياناً به
 صورت کند انجام می گیرد .